

# فرزندآوری: تحول معنایی، تأملی در تغییر ارزش‌های خانوادگی\*

## (مطالعه موردی زنان و مردان متأهل تک‌فرزند یا بی‌فرزند ساکن شهر کرج)

ابوتراب طالبی<sup>۱</sup>، ندا عطاءاللهی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷)

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تحول معنای فرزندآوری در بستر تغییر ارزش‌های خانوادگی است. در این راستا ارزیابی تفاوت بین تعداد مطلوب فرزندان و رفتارهای واقعی زوجین در فرزندآوری نیز بررسی شده است. علی‌رغم اینکه کم‌فرزندی در جامعه ما مطلوب نیست، اما کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی، نشان از افزایش رفتار تک‌فرزندی یا گرایش به نداشتن فرزند در میان خانواده‌های ایرانی دارد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی و نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از زنان و مردان متأهل ساکن شهر کرج انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، الگوهای معنایی مربوط به فرزندآوری در مقایسه با پیشینه فرهنگی و خانوادگی جامعه ایرانی، دستخوش دگرگونی شده است. تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری از نگاه آنان بیشتر بر اساس ملاحظات نظیر گسترش فضای مجازی و تغییر در الگوی روابط و فرزندآوری، بازاندیشی درباره مفهوم فرزندآوری، کمال‌گرایی، دغدغه‌های زیست‌محیطی، جامعه نابسامان، فردگرایی، نگرانی از ناپایداری زندگی ناشویی، نگرانی از پذیرش مسئولیت فرزندآوری، بدن‌مندی - سلامتی، فضای غیر حمایتی خانواده و جامعه از فرزندآوری، تغییر سبک فرزندپروری، شکاف بین شرایط اقتصادی موجود و انتظارات و ضارزش شدن خانواده پر جمعیت صورت می‌گیرد. با توجه به نتایج پژوهش، ذات تجربه فرزندآوری در خانواده «فرزندآوری آگاهانه» است که پیامد آن، رفتار تک‌فرزندی و یا بی‌فرزندی می‌باشد. افراد مورد مطالعه برای اقدام به فرزندآوری، نه تنها شرایط فردی و خانوادگی را مدنظر قرار می‌دهند، بلکه به مقتضیات زندگی در جامعه مدرن و محیط زیست پیرامون خود نیز توجه دارند.

**واژه‌های کلیدی:** فرزندآوری، ارزش‌های خانوادگی، تحول نگرش‌های اجتماعی، تعداد مطلوب فرزندان.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2053822.1888>

• علمی - پژوهشی

Talebi@atu.ac.ir

۱- دانشیار جامعه‌شناسی فرهنگی - دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران - دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

n\_ataollahi@sbu.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هجدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، ص ۱۰۴ - ۷۹

## مقدمه و بیان مسئله

هر جامعه‌ای با پدیده‌هایی که به‌طور مداوم در حال تغییر و دگرگونی‌اند، روبرو است؛ اما در جوامع مدرن، این تغییرات با سرعتی بی‌سابقه رخ می‌دهد. ساختار خانواده‌های امروزی تغییرات قابل توجهی را تجربه کرده است. این تغییرات شامل تغییر در الگوهای ازدواج، افزایش نرخ طلاق و بازنگری در مسئولیت‌های خانوادگی است که همه این‌ها موجب فاصله‌گرفتن خانواده‌های معاصر از الگوهای سنتی شده‌اند. گیدنز معتقد است که این تحولات معمولاً با نوعی مقاومت و تمایل به بازگشت به دوران گذشته همراه است. او می‌گوید: «هیچ راه بازگشتی به گذشته وجود ندارد. به جای آن ما باید فعالانه و خلاقانه با دنیای رو به تغییر و آثار و نتایج آن برای زندگی خصوصی‌مان روبه‌رو شویم» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۵۲). تحولات ساختاری و اجتماعی نظیر افزایش شهرنشینی، ارتقای سطح تحصیلات رسمی و سواد عمومی، گسترش کیفی و کمی رسانه‌های جمعی، تأثیرات عمیقی بر ارزش‌های خانواده گذاشته است. برگر می‌گوید: «تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد سبب تغییر معنای زندگی در آنها می‌شود و به همین دلیل آنها همواره به دنبال یافتن معنای جدید زندگی، متناسب با تغییرات رخ داده هستند» (برگر، ۱۳۹۶: ۳۶). نتایج بسیاری از تحقیقات یکی دو دهه گذشته در جامعه ایران حاکی از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶؛ عظیمی، ۱۴۰۰؛ ملکی و دیگران، ۱۴۰۰، موج‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و...). بر اساس داده‌های منتشر شده از سوی سازمان‌های جمعیت‌شناختی، بیش‌ترین تغییر در زمینه ازدواج و باروری بوده است. کاهش نرخ باروری و فرزندآوری می‌تواند ناشی از دلایل متعددی باشد؛ اما به نظر می‌رسد دگرگونی‌های ارزشی و فرهنگی طی چند دهه اخیر در میان سایر دلایل، بیشتر از همه خودنمایی می‌کنند. در پژوهش حاضر تغییرات و دگرگونی‌های ارزشی را بر اساس روایاتی که در میدان تحقیق از خلال گفتگوهایی که با جامعه مورد تحقیق صورت می‌گیرد، ادراک کرده و بازگو می‌نماییم. در سالیان گذشته، روند کاهشی نرخ باروری و فرزندآوری شدت بیشتری به خود گرفته و به نظر می‌رسد که سیاست‌های تشویقی و هشدارهای پیری جمعیت، اثر چندانی در بهبود این اوضاع نداشته است. درگاه ملی آمار، میزان باروری کل کشور را از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به تفکیک ایران و ایرانی منتشر کرده است. منظور از ایران، میزان باروری کل جمعیت ساکن در ایران (اعم از اتباع ایرانی و غیر ایرانی و مهاجران) است و ایرانی، میزان باروری کسانی که تابعیت ایرانی دارند را شامل می‌شود. این آمار روند کاهشی باروری را به‌خوبی نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. میزان باروری کل کشور به تفکیک ایران و ایرانی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۶

شرح	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	ایرانی	ایران	ایرانی	ایران	ایرانی	ایران	ایرانی	ایران	ایرانی	ایران
کل کشور	۲/۰۹	۲/۰۷	۱/۹۵	۱/۹۷	۱/۷۴	۱/۷۷	۱/۶۵	۱/۷۱	۱/۶۵	۱/۷۴

همچنین بر اساس جدیدترین آمار، نرخ باروری در سال ۱۴۰۳ از ۱/۷۴ به کمتر از ۱/۶ رسیده است (درگاه ملی آمار، ۱۴۰۳).

در این میان، دلایل و انگیزه‌های فرهنگی رفتار تک‌فرزندی و یا بی‌فرزندی افراد هنوز به خوبی تبیین نشده است. بر اساس نتایج معتبرترین پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، مانند پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در چهار موج در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۲، ۱۳۹۴، ۱۴۰۰ و پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۷ درصد بالایی از مردم، تعداد مطلوب فرزندان خود را بیش از ۲ فرزند اعلام نموده‌اند. مسئله پژوهش حاضر این است که چرا با وجود تمایل خانواده‌های ایرانی برای فرزندآوری، تعداد خانواده‌های تک‌فرزند یا بدون فرزند در کشور ما در حال افزایش است؟ تست<sup>۱</sup> در این باره می‌گوید: «هنوز تعداد فرزندان که افراد می‌خواهند، از تعداد واقعی فرزندان آن‌ها تا پایان سن فرزندآوری‌شان بالاتر است» (تستا، ۲۰۱۲). بر همین اساس مسئله اصلی در این مطالعه، بررسی تفسیر زوجین از رفتار کم‌فرزندی و شناسایی ملاحظات و عواملی است که در فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها برای فرزندآوری نقش دارد. این تحقیق به دنبال درک عمیق‌تر از تجربیات زیسته و فهم زوجین در مواجهه با پدیده اجتماعی «کم‌فرزندی» یا «بی‌فرزندی» است.

### چارچوب مفهومی

این پژوهش با ماهیت کیفی، ترکیبی از نظریه‌های جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی را به‌منظور بالابردن حساسیت نظری به کار گرفته است تا معنای فرزندآوری در خانواده‌های امروزی را بررسی کند.

گیدنز در بررسی تحولات پس از صنعتی‌شدن، به توصیف و تبیین تحولات و دنیای مدرن و مدرنیته می‌پردازد. از نگاه او مدرنیته و دگرگونی‌هایی جهانی، فقط مربوط به تغییرات بزرگ در

1- testa

نهادهای بزرگ نیست؛ بلکه این تغییرات عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می‌گیرد و در دنیای متجدد، به طرز عمیقی در قلب هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می‌کنند. از نگاه گیدنز، پایان سنت به این مفهوم نیست که سنت ناپدید می‌شود؛ بلکه مفهوم این ادعا آن است که ما زندگی می‌کنیم؛ ولی زندگی ما کمتر و کمتر با قضاو قدر همراه است و تصمیمات به "شیوه بازاندیشانه‌تر" گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال گیدنز می‌گوید: «در قدیم نقش افراد از پیش تعیین شده است؛ در حالی که امروزه باید هر فرد از خود بپرسد که معنای زن و مرد بودن چیست؟ آیا من باید ازدواج کنم؟ آیا باید بچه داشته باشم؟ چگونه باید زندگی کنم؟» (گیدنز، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۹). به طور خاص جدایی روابط جنسی از فرزندآوری سبب جدایی موازات ازدواج و فرزندآوری شده است و شمار فرزند همسران بدون فرزند و تنها نشان می‌دهد امروزه ازدواج در درجه اول به دلیل فرزندآوری صورت نمی‌گیرد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۴۹-۶۵).

یکی دیگر از نظریه‌های هدایتگر پژوهش حاضر، تئوری نوسازی اینگلهارت است. وی دگرگونی فرهنگی را فرایندی تدریجی می‌داند که بازتاب دگرگونی در "تجربه‌های سازنده‌ای" است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. به عقیده او علت دگرگونی اساساً این است که تجربه زندگی بی‌واسطه توده‌ها در چند دهه اخیر عمیقاً متفاوت از نسل‌های پیشین بوده است؛ از این‌رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته، شمولیت داشته در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ پیدا کرده است. با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، جهان‌بینی متداول در این جوامع به تدریج دگرگون شده است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۸).

پرداختن به عوامل فرهنگی در تبیین نرخ باروری، بیشتر با کار وندکا<sup>۱</sup> و لستق<sup>۲</sup> تحت نظریه «گذار دوم جمعیتی» آغاز شد که در واقع یکی از نظریه‌هایی است که بر نقش تغییرات نگرشی و فرهنگی در شکل‌دادن به ایده‌آل‌های فردی درباره خانواده و تبیین تحولات جمعیتی تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه نظری، تغییرات در سیستم ارزشی و نگرشی در رفتار باروری زیر سطح جانشینی مؤثر است؛ لذا دلیل تغییر باروری به زیر سطح جانشینی، تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی توسعه فردی و یا "خود تحقق‌بخشی و اهمیت آزادی اجتماعی و فردی" است. به طوری که افراد زمانی تصمیم می‌گیرند یک بارداری را بپذیرند که برایشان مطلوب باشد و موجب توسعه زندگی

1- van de kaa

2- Ron J. Lesthaeghe

آنها شود (لستق و سورکین، ۲۰۱۲؛ وندکا، ۱۹۸۷). بر همین اساس درک و شناسایی این دگرگونی در روایات مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر اهمیت دارد.

پشتوانه نظری تصمیم‌گیری باروری و یا رفتار باروری، می‌تواند تئوری "رفتار برنامه‌ریزی شده" یا عمل بخردانه باشد. قصد رفتاری، تعیین‌کننده مهم رفتار است؛ لذا تصمیم افراد برای داشتن یک فرزند به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم رفتار تک‌فرزندی و یا بی‌فرزندی مفروض می‌شود. این الگوهای نظری بر تحلیل ارتباط میان نگرش‌ها و رفتارها متمرکز شده است. بر اساس نظریه عمل بخردانه افراد بیشتر در تصمیم‌گیری به انجام‌دادن یک رفتار معین "منطقی" عمل می‌کنند. در این عمل منطقی ترجیح‌های خود فرد در نظر گرفته می‌شود (آیزن و فیشبن، ۱۹۸۰).

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی پیرامون فرزندآوری و ایده‌آل‌های فرزندآوری با عناوین و روش‌های مختلف انجام شده است. در میان پژوهش‌های داخلی، عباسی شوازی و دیگران (۱۴۰۱) در پژوهشی به واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری و فهم کنش فرزندآوری پرداخته و دریافتند که بیم و هراس‌های اقتصادی، آینده‌هراسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته، تصمیم‌گیری به فرزندآوری را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانی بودن ابزاری می‌کند. نوابخش و دیگران (۱۴۰۲) در پژوهشی دریافتند که علی‌رغم اجرای برنامه‌های توسعه بر نهاد خانواده، شاهد روند کاهشی فرزندآوری در کشور هستیم. ساروخانی و دیگران (۱۴۰۲) در پژوهش خود دریافتند که زنان امروزی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، به هویتی جدید دست یافته‌اند که با باروری زیاد در تقابل است. علیدوستی و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله خود دریافتند که وضع شغلی بیشترین تأثیر منفی و حمایت اجتماعی تنها متغیری است که بر تمایل به فرزندآوری اثر مثبت دارد. حسنی و همکارانش (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری» به این نتایج دست یافتند که پدیدار اجتماعی فرزندآوری شامل تم‌های مرکزی معنای فرزندآوری، تعداد فرزندان ایده‌آل، تعداد فرزندان معقول، نگرانی از فرزندآوری، تجربه بارداری و ... است. فروتن و بیژنی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای دریافتند که تک‌فرزندی الگوی مطلوب ایرانیان نیست و متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی است. نتایج حاصل از پژوهش عباسی شوازی و همکارانش (۱۳۹۷) با عنوان «تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران» نشان داد که علی‌رغم اینکه تمایل به رتبه‌های بالاتر از سه فرزند بیشتر است، اما تحقق تمایلات باروری

خانوارها مستلزم اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی است تا فرزندآوری را تسهیل کند. همچنین یافته‌های پژوهش وی نشان داد که هرچه استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کمتر باشد، ایده‌آل‌های باروری بالاتر است. حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با مصاحبه عمیق با ۱۳ نفر از افرادی که بی‌فرزندی ارادی داشتند، دریافتند که مهم‌ترین دلایل افراد برای بی‌فرزند را می‌توان در پنج مؤلفه خلاصه کرد: مسئولیت‌های بالای پدر و مادری، محدودیت‌های اجتماعی فرزند برای والدین، هزینه‌های بالای داشتن فرزند و مخاطره‌های بارداری برای زنان. رازقی‌نصرآباد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه از ۲۰ نفر از زنان دارای یک فرزند بالای ۵ سال شهر شهریار دریافتند که تک‌فرزندی نتیجه تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، مشکلات ترکیب کار و خانه‌داری و تغییرهای نگرشی نسبت به فرزندآوری است. نتایج پژوهش خلج آبادی و سرایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه عمیق با ۱۴ نفر حاکی از آن است که تصمیم تک‌فرزندی در واقع یک نوع راهکار یا استراتژی برای ایجاد نوعی تعادل بین شرایط فردی، زناشویی، خانوادگی و محیطی افراد است. چمنی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی در میان زنان متأهل تهرانی دریافتند تعداد کم فرزندان در ارتباط با میزان تحصیلات، گرایش به پیشرفت و منزلت اجتماعی و کمال‌طلبی، اشتغال و یا در انتظار شاغل شدن، فردگرایی، مدیریت بدن و آرمان‌گرایی و نگرش منفی به فرزند است.

اسکاتینا<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «پیش‌نیازهای ارزشی و انگیزشی و زمینه‌های ذهنی برای بی‌فرزندی داوطلبانه زنان» دریافتند که بی‌فرزندی اختیاری در زنان به‌طور قابل توجهی با برخی شرایط درونی از جمله جهت‌گیری‌های انگیزشی فردگرایانه متمایز می‌شود که پذیرش موفقیت‌آمیز موقعیت درونی والدین را دشوار می‌کند. احمدزاده و دیگران (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان «عوامل موثر بر بی‌فرزندی ارادی و تک‌فرزندی» دریافتند که بی‌فرزندی داوطلبانه و داشتن یک‌فرزند به جنبه‌های مختلفی از جمله مشکلات اقتصادی، عدم قطعیت در امنیت آینده، تهدید اولویت‌ها، عدم قطعیت در ادامه زندگی، ترس از والد شدن، کمبود حمایت، کاهش اعتقادات مذهبی، الگوهای اجتماعی و تجربیات منفی وابسته است. گونی و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی که مفهوم بی‌فرزندی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، دریافتند که تصمیم‌گیری درباره فرزنددار شدن در برخی موارد می‌تواند تصمیمی آزادانه و مبتنی بر آگاهی افراد باشد و درباره عده‌ای دیگر به ناخودآگاه جمعی مربوط می‌شود.

1 - Scatina et al.

فرانسیزکا و مکارینی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با مطالعه ۱۲ زوج استرالیایی که صاحب یک فرزند بودند دریافتند رضایت از زندگی زناشویی، تجربه فرزند اول، رضایت شغلی و وضعیت اقتصادی در گرایش زوجین به تک‌فرزندی مؤثر هستند.

تستا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود با نگاهی به مطالعات بین‌المللی در حوزه باروری دریافتند عدم حمایت والدین، اشتغال زنان و عدم امنیت شغلی و وضعیت اقتصادی و عدم توافق زوجین بر فرزندآوری بر گرایش والدین به تک‌فرزندی مؤثر است. مطابق تحقیق باسو و دسای<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) مهم‌ترین عامل در گرایش افراد به تک‌فرزندی عدم هماهنگی بین رشد فرهنگی و رشد اقتصادی است. نتایج پژوهش سلیا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۳۸ زوج چینی که در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال هستند حاکی از آن است که اشتغال زنان، حفظ سلامت جسمی و روحی، پایداری کم زندگی زناشویی، افزایش سن ازدواج، نگرش منفی به فرزندآوری بر گرایش به تک‌فرزندی تأثیر دارد. کنته<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی که از ۲۹۳۱ زن ۱۵ تا ۳۴ ساله نظرسنجی کرد، دریافت که اندازه خانواده (تعداد فرزند) متأثر از درآمد خانواده، تحصیلات زن، فرهنگ و مذهب، عدم حمایت والدین و فشار همسر است. نتایج تحقیق پرادهان و سخر<sup>۶</sup> (۲۰۱۴)، نشان داد که شهرنشینی، تحصیلات اشتغال و وضعیت اقتصادی با گرایش به تک‌فرزندی رابطه معناداری دارند.

با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش ضمن توجه به وجوه فرهنگی و دلالت‌های معنایی فرزندآوری از رویکرد مطالعه ترکیبی زنان و مردان استفاده کرده‌ایم. اغلب پژوهش‌ها، چالش‌های فرزندآوری را از دیدگاه زنان مورد ارزیابی قرار داده‌اند؛ اگر به موضوع فرزندآوری تنها از منظر زنان نگاه کنیم، این دیدگاه با مقتضیات زندگی در جامعه مدرن سازگاری ندارد؛ زیرا امروزه تصمیم‌گیری درباره داشتن یا نداشتن فرزند و همچنین تعداد فرزندان به طور مشترک توسط مردان و زنان انجام می‌شود.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که درک کنش فرزندآوری از منظر خود افراد می‌تواند نقاط کور این موضوع را به طور دقیق‌تری روشن کند. با این حال، تعداد پژوهش‌های کیفی،

1- Francesca & Mencarini

2 - testa

3- Basu & Desai

4- celia & et al...

5- Conte

6- Pradhan & Sekher

به‌ویژه از نوع پدیدارشناسانه، درزمینه فرزندآوری به‌مراتب کمتر از پژوهش‌های کمی و به‌ویژه پیمایش‌ها است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌تواند به درک بهتر موضوع برای سیاست‌گذاری در این زمینه کمک کند.

### روش پژوهش

در این مطالعه از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. اصطلاح پدیدارشناسی از نظر هوسرل کار توصیف، اکتشاف، تجزیه و تحلیل پدیدارهاست. بر اساس اصول پدیدارشناسی توصیفی که توسط هوسرل ایجاد شد، محقق باید از هرگونه تحمیل مفروضات خود بر فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها خودداری کرده و پدیده را برحسب توضیحات مشارکت‌کنندگان توصیف کند (آهرن، ۱۹۹۹؛ گیرینگ، ۲۰۰۴؛ اسپزیال و کارپنتر، ۲۰۰۷).

میدان پژوهش، زنان و مردان متأهل ساکن شهر کرج است که در آن افراد به‌صورت هدفمند با معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

زنان و مردانی که حداقل ۵ سال از ازدواجشان گذشته و در سنین باروری قرار داشتند و به صورت کاملاً ارادی، فرزندی نداشته و یا تنها به داشتن یک فرزند اکتفا نموده و در آینده نیز قصد فرزنددار شدن نداشتند. همچنین این معیار نیز لحاظ شده که افراد به لحاظ وضعیت اقتصادی در سطح متوسط و بالاتر قرار داشته باشند.

حجم نمونه در مطالعات کیفی به سطح اشباع نظری بستگی دارد. مصاحبه‌های عمیق بیشتر باهدف استخراج اطلاعات عمقی شامل انگیزه‌ها، احساسات و عواطف و نگرانی‌های افراد حول محور تعیین شده، انجام شد. مصاحبه با افراد تا اشباع ادامه یافت، به‌طوری‌که پس از ۱۴ مصاحبه، در پاسخ به سؤال‌های تحقیق، کد جدیدی استخراج نشد. افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با استراتژی حداکثر تغییرات انتخاب شدند. سؤالات مصاحبه با استفاده از مفاهیم نظری و مطالعات پیشین بر محورهای مختلفی از جمله تجربیات افراد در رابطه با اعضای خانواده، درک آن‌ها از فرزندآوری، ارزیابی زندگی با فرزند و بدون فرزند و ... متمرکز بود. مدت‌زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۵۰ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود که ابتدا ضبط و سپس جهت تحلیل، پیاده‌سازی شدند. تحلیل متن مصاحبه‌ها با روش کولایزی<sup>۱</sup> در ۷ مرحله صورت گرفت: (۱) هر رونوشت به‌کرات خوانده شد تا معانی کلی آن در رابطه با کل محتوا درک شود. (۲) برای هر رونوشت، یک اظهار مهم که شالوده آن پدیده را توصیف می‌کرد، استخراج شد. (۳) معانی از محتوای این اظهارات مهم استخراج شدند.

1- Colaizzi

(۴) این معانی در مقولات، خوشه‌های مضامین (تم‌ها) و مضامین (تم‌های) نوظهور طبقه‌بندی شدند. (۵) نتایج پژوهش تحت عنوان یک توصیف دقیق از پدیده مورد بررسی، دسته‌بندی شدند. (۶) ساختار بنیادی پدیده (ذات تجربه)، توصیف شد. (۷) یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان به‌منظور اعتباریابی تحلیل‌ها بازگشت داده شد (اقتباس از شوشا، ۲۰۱۲). مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است:

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان

مدت از وراج	شغل	تعداد اعضای خانواده همسر	تعداد اعضای خانواده	تخصصیات همسر	سطح تخصصیات	تعداد فرزندان	سن همسر	سن	جنسیت	کد مصاحبه شونده
۱۲ سال	مدیر	۶	۶	کارشناسی	دکتری	بدون فرزند	۴۲	۴۶	مرد	۱
۸ سال	کارمند	۵	۶	کارشناسی	کارشناسی ارشد	بدون فرزند	۴۰	۴۴	مرد	۲
۱۴ سال	مهندس	۶	۸	کارشناسی - ارشد	کارشناسی	۱ فرزند	۳۸	۴۳	مرد	۳
۱۶ سال	کارمند	۵	۵	کارشناسی	کارشناسی	۱ فرزند	۳۹	۴۹	مرد	۴
۱۲ سال	مهندس	۶	۵	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد	بدون فرزند	۳۹	۴۳	مرد	۵
۹ سال	خانه‌دار	۶	۵	کارشناسی	کاردانی	۱ فرزند	۳۶	۳۱	زن	۶
۱۲ سال	رئیس بخش بازرگانی شرکت	۵	۶	کارشناسی - ارشد	کارشناسی ارشد	بدون فرزند	۴۳	۳۹	زن	۷
۱۶ سال	خانه‌دار	۵	۵	کارشناسی	دانشجوی ارشد	یک فرزند	۴۹	۳۹	زن	۸
۱۲ سال	حسابدار	۶	۶	دانشجوی دکتری	کارشناسی	بدون فرزند	۴۶	۴۲	زن	۹
۹ سال	خانه‌دار	۵	۵	دیپلم	دیپلم	۱ فرزند	۳۸	۳۷	زن	۱۰

مدت از وراج	شغل	تعداد اعضای خانواده همسر	تعداد اعضای خانواده	تخصصیات همسر	سطح تخصصیات	تعداد فرزندان	سن همسر	سن	جنسیت	کد مصاحبه شونده
۶ سال	خانه‌دار	۶	۹	کارشناسی	کارشناسی	۱ فرزند	۳۶	۳۲	زن	۱۱
۱۴ سال	خانه‌دار	۸	۶	کارشناسی	کارشناسی ارشد	۱ فرزند	۴۳	۳۸	زن	۱۲
۱۴ سال	خانه‌دار	۶	۵	کارشناسی ارشد	کارشناسی	۱ فرزند	۴۴	۴۲	زن	۱۳
۵سال	معلم	۵	۵	کارشناسی	کارشناسی	بدون فرزند	۳۷	۳۶	زن	۱۴

## یافته‌ها

در تحلیل داده‌ها، تم‌های نوظهور شامل گسترش فضای مجازی و تغییر در الگوی روابط و فرزندآوری، بازاندیشی درباره مفهوم فرزندآوری، کمال‌گرایی، دغدغه‌های زیست‌محیطی، جامعه نابسامان، فردگرایی، نگرانی از ناپایداری زندگی زناشویی، نگرانی از پذیرش مسئولیت فرزندآوری، بدن‌مندی - سلامتی، فضای غیر حمایتی خانواده و جامعه از فرزندآوری، تغییر سبک فرزندپروری، شکاف بین شرایط اقتصادی موجود و انتظارات و ضدارزش شدن خانواده پر جمعیت بر اساس متن مصاحبه‌ها استخراج شدند. پدیده محوری تحقیق که دلالت بر ذات فراگیر تجربه فرزندآوری در میان مشارکت‌کنندگان دارد «فرزندآوری آگاهانه» است. در ادامه هرکدام از مقولات با استناد به داده‌های میدان بررسی شده‌اند.

### گسترش فضای مجازی و تغییر در الگوی روابط و فرزندآوری

پیشرفت تکنولوژی و گسترش فضای مجازی تأثیر عمیقی بر روابط خانوادگی گذاشته است. اگرچه این فضا مزایایی مانند افزایش سطح آگاهی دارد، اما معایبی نیز به همراه آورده است. یکی از این معایب کاهش روابط صمیمانه خانوادگی و جایگزینی دید و بازدیدها با تماس‌های مجازی و پیام‌های کوتاه است. آقای ۴۳ ساله و دارای یک فرزند می‌گوید:

«لان دیگه همه فقط تو فضای مجازی با هم رابطه دارن. مثل گذشته‌ها دیگه خواهر و برادرا و فامیلا دور هم جمع نمیشن... اون صمیمیت زمان ما دیگه تو نسلا بعدی داره کم‌رنگ میشه، به نظرم دیگه در آینده داشتن خواهر و برادر مهم نیست.»

همچنین، مشارکت‌کنندگان به کاهش تمایل والدین به داشتن چند فرزند اشاره کرده‌اند که در آینده معنا و مفهوم روابط خویشاوندی را دگرگون خواهد کرد. یکی دیگر از پیامدهای فضای مجازی، افزایش چشم‌وهم‌چشمی و تجمل‌گرایی است. این مسائل به کاهش توانایی خانواده‌ها در فرزندآوری بیشتر منجر می‌شود. در این رابطه خانمی ۳۱ ساله با یک فرزند می‌گوید:

«وقتی می‌بینم تو فامیل یکی فیلم پیاو زدن بچه‌اش رو تو پیچش گذاشته و کلی ارزش استقبال شده، من هم دوست دارم برای دخترم هر کاری بکنم، اگر چند تا بچه داشته باشم، نمیتونم خواسته‌های همشونو برآورده کنم. دلم نمی‌خواد دخترم چیزی از بقیه کم داشته باشه».

### بازاندیشی درباره مفهوم فرزندآوری

تولیدمثل یا زادآوری یکی از خصوصیت‌های اصلی حیات بشر است. میل به جاودانگی در انسان‌ها همواره آنها را تشویق به تولیدمثل کرده‌است؛ اما با این وجود در میان مصاحبه‌ها آن دسته از مشارکت‌کنندگانی که فرزندی نداشتند، دلایل عدم فرزندآوری خود را بازنگری به مقوله تولیدمثل و تغییر معنای خانواده عنوان کرده‌اند. آنها معتقدند تولیدمثل وظیفه‌ای محتوم و گریزناپذیر برای بشر نیست و بر خلاف تصور عموم، معنای خانواده را در فرزندآوری نمی‌دانند. آقای ۴۳ ساله و بدون فرزند در این رابطه می‌گوید:

«چرا آدم‌ها باید حتماً بچه‌دار بشن؟ اینکه فقط به خاطر ادامه نسل یا به خاطر عصای دوران پیری بخوام بچه‌دار بشم، دلایل قانع‌کننده‌ای برای من نیست».

خانم ۴۲ ساله بدون فرزند نیز معتقد است:

«به نظرم جهان‌بینی و تفکر آدم‌ها تغییر کرده، کی گفته که آدم‌ها باید حتماً تولیدمثل داشته باشن؟ خانواده به این معنا نیست که حتماً بچه‌دار بشیم. دو نفر می‌تونن با هم زندگی کنن و انقدر شاد باشن که هیچ احتیاجی به بچه نداشته باشن. قبول ندارم که میگن فقط بچه باعث شادی و دلگرمی زندگی زن و مرده. قدیم بچه‌ها رو به خاطر اینکه کمک حال خانواده باشن به دنیا می‌آوردن. پسرا برای کار بیرون و دخترا برای کار خونه اما الان دیگه این‌طور نیست».

### کمال‌گرایی

ارزشی که وجود فرزند در زندگی والدین دارد باعث می‌شود تا والدینی که معیارها و خواسته‌های سطح بالا و غیرواقع‌گرایانه دارند، زمانی که درک کنند تمام شرایط مورد انتظار آنها برای داشتن فرزند مهیا نیست، تصمیم می‌گیرند که فرزندی نداشته باشند. تصمیمی که تعدادی از

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر برای بی‌فرزندگی دائمی گرفته‌اند و طبق اظهاراتشان، این تصمیم را هم به نفع خودشان، هم فرزندشان و هم به نفع جامعه می‌دانند. برای نمونه خانمی ۳۹ ساله و شاغل که پس از گذشت ۱۲ سال از زندگی مشترک، طبق اظهارات خود علی‌رغم علاقه‌ای که به داشتن فرزند داشت، بی‌فرزندگی دائمی را انتخاب کرده بود، در این باره می‌گوید:

«من و همسر من به اخلاقی داریم که تا مطمئن نشیم که از عهده‌ی کاری خوب و عالی بر می‌آیم، هیچ‌وقت اون کار رو انجام نمی‌دیم. در مورد بچه که جای خود داره، با یه انسان روبرو هستیم. باید تمام ایده‌آل‌های ما برقرار باشه تا در نهایت به بچه‌دار شدن فکر کنیم. اصلاً دلمون نمی‌خواد بگیریم که حالا یه بچه بیاریم ببینیم در آینده چی میشه؟».

آقای ۴۶ ساله که تصمیم به فرزندآوری ندارد نیز می‌گوید:

«من شرایط دلخواه خودم رو برای فرزند داشتن مشخص کردم که باید تمام و کمال اون شرایط برقرار باشه تا بچه‌دار بشیم. از نظر اطرافیان من توانایی داشتن دو تا فرزند رو هم دارم ولی شرایط مطلوب من با بقیه فرق داره. بنابراین چون هیچ‌وقت همه چیز به طور کامل محیا نمیشه، با خانومم تصمیم گرفتیم که بچه‌دار نشیم».

### دغدغه‌های زیست‌محیطی

یکی از متفاوت‌ترین دلایل عدم تمایل به فرزندآوری که در میان اظهارات برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر مطرح شد، توجه به ابعاد زیست‌محیطی فرزندآوری است. عاملی که در ادبیات داخلی کمتر مورد توجه بوده، اما در سطح جهانی به‌عنوان یکی از دلایل نوظهور در کاهش تمایل به فرزندآوری گزارش شده است (کلر براون: ۲۰۲۴).

این دغدغه‌ها را می‌توان در چارچوب مفاهیمی همچون «اضطراب زیست‌محیطی»<sup>۱</sup> و «مسئولیت بین‌نسلی»<sup>۲</sup> تحلیل کرد (کاس و دیگران: ۲۰۲۵)؛ بدین معنا که افراد خود را در برابر محیط‌زیست و نسل‌های آینده مسئول دانسته و تصمیمات باروری خویش را متأثر از این دغدغه‌ها اتخاذ می‌کنند. برخی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر، علاوه بر نگرانی از تأثیرات مخرب افزایش جمعیت بر محیط‌زیست و منابع طبیعی و احساس وظیفه و مسئولیتی که هر انسانی باید در قبال آن داشته باشد، نگران تأثیرات منفی که متقابلاً کمبود منابع و همچنین وجود مخاطرات زیست‌محیطی بر فرزندان آنها در آینده خواهد داشت نیز بودند. در این رابطه

1- eco-anxiety

2- Intergenerational responsibility

آقای ۴۳ ساله و بدون فرزند، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تمایل خود به فرزندآوری را اینگونه مطرح می‌کند:

«با شرایط وخیمی که برای آینده محیط‌زیست پیش‌بینی شده، بالا رفتن جمعیت شرایط رو وخیم‌تر می‌کند. از این می‌ترسم که اگر من فرزنددار بشم، ممکنه وقتی شرایط رو در آینده ببینم و با مشکلات زیادی روبرو بشم، برای به دنیا اومدنش منو سرزنش کنه. دعوت یک نفر به این دنیای پر رنج کار اشتباهیه. حتی اگر هم روزی مجبور بشم که بچه‌ای داشته باشم باید طوری تربیتش کنم که دوستدار محیط زیست باشه و آسیبی به اون نزنه.»

همچنین خانم ۳۹ ساله که با توافق همسرش به طور اختیاری فرزندی ندارد، در میان صحبت‌هایش به کمبود منابع اشاره می‌کند و می‌گوید:

«وقتی به کمبود منابع تو دنیا فکر می‌کنم، می‌بینم که واقعاً اشتباهه که تو این شرایط بچه‌دار بشم. اصلاً این همه بچه که به دنیا اومدن ولی سرپرست ندارن، کی گفته که من حتماً باید فرزند بیولوژیک خودمو داشته باشم؟ می‌تونم یکی از اونا رو به فرزندی قبول کنم.»

این نقل‌قول‌ها بازتابی از نوعی تردید اخلاقی است که در پژوهش‌های جهانی نیز تحت عنوان «فرزندآوری اخلاقی»<sup>۱</sup> مطرح شده است؛ بدین معنا که افراد تصمیم به فرزندآوری را نه صرفاً انتخابی شخصی، بلکه عملی دارای پیامدهای اخلاقی و زیست‌محیطی قلمداد می‌کنند. در میان اظهارات این مشارکت‌کنندگان، به وضوح راه‌هایی که معمولاً افراد با دوراهی فرزندآوری و عدم آن کنار می‌آیند، مشخص است؛ برخی به جای داشتن فرزند بیولوژیک به فرزندخواندگی، سرپرستی یا نقش‌های حمایتی مثل مربیگری روی می‌آورند و عده‌ای دیگر تصمیم به بچه‌دار شدن می‌گیرند اما خود را متعهد می‌دانند فرزندان‌شان را با ارزش‌های زیست‌محیطی، مهارت‌های تاب‌آوری و پیوندهای اجتماعی پرورش دهند.

به‌طور کلی گفته‌های مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که دغدغه‌های زیست‌محیطی آنها دو بُعد اساسی دارد: نخست، فرزندآوری را عاملی تشدیدکننده در تخریب منابع طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی می‌دانند؛ و دوم، پیامدهای ناشی از این بحران‌ها را تهدیدی جدی برای رفاه و کیفیت زندگی فرزندان احتمالی خود در آینده قلمداد می‌کنند.

## جامعه نابسامان

تقریباً اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش، یکی از دلایل عدم تمایل به فرزندآوری و یا فرزندآوری مجدد را در نابسامانی‌ها و مشکلات متعدد جامعه کنونی می‌دانند. از نظر آنها جامعه شرایط مناسبی ندارد و معتقدند که در صورت داشتن فرزند، آینده مبهمی در انتظارشان خواهد بود. اغلب علی‌رغم تمایلی که به بچه‌دار شدن داشتند، به دلیل این‌که هیچ‌امیدی به بهبود وضعیت جامعه ندارند ترجیح داده‌اند که در این شرایط فرزندی نداشته باشند و برخی از آنها که تنها یک فرزند داشتند نیز احساس پشیمانی می‌کردند و علت آن را نگرانی از زندگی و آینده فرزند خود در چنین شرایطی می‌دانستند. آقای ۴۳ ساله و بدون فرزند در این باره می‌گوید:

«وقتی به هر دوره‌ای از رشد بچه فکر می‌کنم، کودکی، نوجوانی، جوانی و برنامه‌هایی که باید برای هر دوره فراهم باشه، مثل دانشگاه و شغل مناسب و... می‌بینم که کشور ما به هیچ‌عنوان شرایط مناسبی نداره».

خانم ۴۲ ساله‌ای که ۱۲ سال از زندگی زناشویی‌اش می‌گذرد، می‌گوید:

«من قبلاً دلم می‌خواست چند تا بچه داشته باشم، ولی الان من و همسرم هیچ‌امیدی به بهبود شرایط جامعه نداریم و فکر می‌کنیم همین‌که خودمون هستیم کافیه. آوردن یه بچه دیگه تو این شرایط جامعه، اصلاً کار درستی نیست. فکر کن بچه‌ات رو در محیطی به دنیا بیاری که خودت حس خوبی به اون نداری و داری رنج می‌کشی. جدا از مسائل اقتصادی این مسئله خیلی مهمه. پس ترجیح میدم بچه نیارم».

خانمی بعد از ۱۴ سال زندگی مشترک با داشتن تنها یک فرزند می‌گوید:

«گر چند سال پیش که بچه‌دار شدم، مثل الان از مشکلات جامعه آگاهی داشتم، هرگز بچه‌دار نمی‌شدم. خیلی اشتباه کردم».

آقای ۴۴ ساله، بدون فرزند می‌گوید:

«گر تو کشور دیگه‌ای زندگی می‌کردم، خیلی احتمال داشت دلم بچه بخواد. ولی الان تو این شرایط اصلاً دلم بچه نمی‌خواد».

## فردگرایی

در دنیای مدرن امروزی بالارفتن سطح آگاهی افراد به حقوق شخصی و تمایل به رشد و بالندگی فردی سبب شده تا هر کسی برای ارتقای سطح زندگی و آینده شخصی خود برنامه‌ریزی کند. فردیت افراد اهمیت زیادی پیدا کرده و افراد بیش از گذشته به ارزش‌های فردی توجه دارند. برخی از زوج‌های جوان تصور می‌کنند که فرزنددار شدن به دلیل زحمات و مشقات فراوانی که طبیعتاً

به همراه دارد، ممکن است مانعی برای تحقق آرمان‌های فردی‌شان باشد. ظاهراً افراد حاضر نیستند که به خاطر داشتن فرزند از مسیر برنامه‌های پیشرفت خود باز بمانند و اولویت اصلی آنها دیگر مثل گذشته، فرزندآوری نیست. برای زنان داشتن شغل و تحصیلات بالا و حضور در اجتماع از اولویت بالایی برخوردار است. خانمی ۳۹ ساله که رئیس بخش بازرگانی یک شرکت خصوصی است، در این باره می‌گوید:

«من عاشق کارم هستم، کلاً کارکردن تو اجتماع رو به هر چیز دیگه‌ای ترجیح میدم. دلم نمی‌خواد به خاطر بچه‌دار شدن کارم رو از دست بدم.»

خانم ۳۹ ساله تک‌فرزند، می‌گوید:

«خیلی دلم می‌خواد که یه بچه دیگه هم داشته باشم اما می‌دونم که اگر بچه‌دار بشم باید قید ادامه تحصیل رو بزنم. من خیلی دوست دارم که ادامه تحصیل بدم.»  
و خانمی ۳۱ ساله که به تازگی در دانشگاه پذیرفته شده می‌گوید:  
«بعضی وقتا به این فکر می‌کنم که پس خودم چی؟ خودم چه جایگاهی تو این زندگی دارم؟  
همیشه که همش تمام وقتمو بنارم برای بچه‌داری. منم اهداف و برنامه‌های خودمو دارم.»

### نگرانی از ناپایداری زندگی زناشویی

نکته قابل توجه در مطالعه حاضر این است که تعدادی از مشارکت‌کنندگان به تغییر معنای ازدواج و زندگی زناشویی در جامعه امروزی اشاره نموده‌اند. اینکه در گذشته، افراد پس از بستن پیمان زناشویی و ورود به زندگی مشترک، با تمام سختی‌هایی که وجود داشت، برای پایداری و دوام خانواده تلاش می‌کردند و مقوله طلاق برای خانواده‌های سنتی ایرانی به‌سادگی امکان‌پذیر نبود. دختران ایرانی از نسل قبل از خود آموخته بودند که باید با لباس سفید عروسی به خانه بخت بروند و با لباس سفید کفن از آن بیرون بیایند. به این معنا که هیچ راهی غیر از ادامه زندگی، برای برون‌رفت از مرارت‌ها و عدم تفاهم‌های زناشویی نیست. پسرها نیز آموخته بودند که به‌عنوان مرد خانواده، باید تا پای جان برای حفظ کیان آن تلاش کنند و اقدام به طلاق امری ناپسند محسوب می‌شد و تقریباً ناممکن بود. جمله کلیشه‌ای «سوختن و ساختن» معنای خود را از دست داده و افراد حاضر نیستند به هر قیمتی کیان خانواده را حفظ کنند. در گذشته خانواده‌ها بر این باور بودند که تولد فرزند می‌تواند سبب بهبود و تقویت روابط زن و شوهر و در نتیجه پایداری خانواده شود و نسخه تجویزی اطرافیان برای بهتر شدن زندگی زناشویی، فرزندآوری بود؛ بنابراین بافاصله کوتاهی پس از ازدواج، همه منتظر ورود فرزند به خانواده بودند؛ اما نسل جدید بدون اطمینان از تداوم

زندگی زناشویی حاضر نیست فرد دیگری را به خانواده اضافه کند. ازدواج و پیوند زناشویی امری ابدی و گسست‌ناپذیر محسوب نمی‌شود و در صورتی که به هر دلیلی ادامه زندگی مشترک برای طرفین مقدر نباشد، تصمیم به جدایی اولین اقدام آنها خواهد بود. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان اتفاقاً در این میان وجود فرزندان می‌تواند مانعی برای طلاق باشد. خانم ۴۲ ساله و بدون فرزند معتقد است که:

«گر بخوام روزی از همسرم جدا بشم، بدون بچه راحت تر می‌تونم این کارو بکنم».

و خانم ۳۷ ساله، دارای یک فرزند در این رابطه می‌گوید:

«الان به جوری شده که خیلیا برای زندگی کردن ازدواج نمی‌کنن. انگار اعتمادی به هم ندارن. برای همین بچه‌دار نمیشن تا ببینن شرایط زندگیشون چطور میشه؛ که اگر ازدواجشون خوب نباشه بتونن راحت تر جدا بشن. مثلاً خواهر من به مدتی بعد از ازدواجشون متوجه شدن که به درد همدیگه نمی‌خورن. ولی چون بچه نداشتن راحت جدا شدن».

### نگرانی از پذیرش مسئولیت فرزندآوری

یکی از دلایلی که برخی از شرکت‌کنندگان این پژوهش را از اقدام به فرزندآوری منصرف می‌کند، نگرانی و ترس از قبول مسئولیت‌های سنگین ناشی از آن است. مسئولیت‌هایی که از دوران بارداری یا حتی پیش از آن آغاز می‌شود و تا آخر عمر بر عهده والدین است. با وجود اینکه اکثر افراد، علاقه زیادی به پدر و مادر شدن دارند و داشتن فرزند را با حس بسیار زیبایی توصیف می‌کنند، اما حاضر نیستند که سختی و مشقت فراوانی که نگهداری و پذیرش مسئولیت یک انسان دیگر غیر از خودشان دارد را به جان بخرند. در همین رابطه آقای ۴۶ ساله و بدون فرزند، می‌گوید:

«بچه داشتن خیلی خوبه و انگار آدم به بار دیگه متولد می‌شه، ولی انقدر مسئولیتش سنگین و سخته که ترجیح میدم نداشته باشم».

خانم ۳۱ ساله، دانشجو، دارای یک فرزند:

«پذیرفتن مسئولیت همیشگی به بچه خیلی اذیتم می‌کنه. انگار به وزنه‌ای رو گذاشتم روی دوشم و همه جا با خودم می‌کشم و این خیلی داره اذیتم می‌کنه. ناچاراً با این به دونه بچه کنار اومدم ولی همچنان به نظرم مسئولیت سخته».

برخی نیز اذعان داشتند که دلیل عدم تمایلشان به فرزندآوری، حس مسئولیت‌پذیری بالای آنهاست. اگر شرایط برای ورود یک فرزند به زندگی محیا نباشد، آنهايي که احساس مسئولیت

بالایی دارند حاضر نیستند اقدام به فرزندآوری کنند. خانم ۴۲ ساله که از ابتدای ازدواج با همسرش برای بی‌فرزندگی توافق و تفاهم دارند، در این رابطه می‌گوید:

«بعضی‌ها میگن همسرت چون مسئولیت پذیر نیست، نمی‌خواد بچه‌دار بشه. ولی من میگم اتفاقاً چون خیلی احساس مسئولیت پذیری بالایی داره، نمی‌خواد تو این شرایطی که داریم، بچه‌دار بشه».

### بدن‌مندی - سلامتی

تغییرات ارزشی در جامعه سبب توجه روزافزون افراد به کنترل و مدیریت بدن شده است. زنان بیشتر از گذشته برای بدن و جسمشان اهمیت قائل‌اند. این تغییرات بر تمایل آنها به فرزندآوری موثر بوده است. اهمیت یافتن بدن انسان و متعاقب آن مقبولیت اجتماعی بدن افراد از پیامدهای اساسی جامعه مدرن است که در چنین جامعه‌ای افراد برای مورد قبول واقع شدن در اجتماع، برای خود بدنی اجتماعی می‌سازند و از مسائلی که تهدیدی برای آن باشد، اجتناب می‌کنند. برای برخی زنان، پیامدهای بارداری و زایمان و مخاطراتی که ممکن است سلامتی و تناسب‌اندام آنها را تهدید نماید، تبدیل به مانعی برای اقدام به بارداری یا بارداری مجدد شده است. خانم ۳۹ ساله که علی‌رغم علاقه خودش و همسرش به داشتن چند فرزند، پس از ۱۶ سال زندگی مشترک فقط یک فرزند دارد، می‌گوید:

«من بعد از بارداری اولم برای اینکه به تناسب اندام دلخواهم برسم خیلی زحمت کشیدم و بعد از اون با اینکه خیلی بچه دوست داشتم، دیگه هیچ‌وقت به بچه‌دار شدن فکر نکردم».

خانم ۳۱ ساله دارای یک فرزند نیز در این رابطه می‌گوید:

«من الان یه دونه بچه‌دارم، خیلی کمر درد دارم. با خودم میگم اگر بازم بچه بیارم با این وضعیت باید چیکار کنم؟ خوب سلامتی خودمم مهمه».

«بعد از بارداری اول دچار افسردگی شدید شدم، حالم انقدر بد بود که حتی بچه‌ام رو دوست نداشتم. خیلی طول کشید تا حالم خوب بشه. دیگه اصلاً دلم نمی‌خواد اون حال بد تکرار بشه. پس سلامتی خودم چی میشه؟ برای همین یه بچه به نظرم کافیه».

### فضای غیرحمایتی خانواده و جامعه از فرزندآوری

طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان، فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی یکی از موانع فرزندآوری است. برخی از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش از اینکه در زمان تولد اولین فرزند خود از منابع

حمایتی محروم بودند، به‌ناچار سختی‌های زیادی را متحمل شده بودند و به‌همین دلیل قصد فرزندآوری مجدد را نداشتند. برخی بر این باور بودند که در گذشته، مادرشوهر، مادر یا مادربزرگی در کنار زوج‌های جوان زندگی می‌کرد و می‌توانست به کمک زنی که تازه فرزنددار شده بیاید. اما اکنون به خاطر استقلال زوج‌های جوان و هسته‌ای شدن خانواده‌ها، آنها از این حمایت محروم مانده‌اند. خانم ۳۱ساله، دارای یک فرزند در این رابطه می‌گوید:

«مادرم همیشه میگه یه دونه بچه کمه، یکی دیگه بیار، شرایط خودشو داره با من مقایسه می‌کنه، خودش با مادرشوهرش زندگی می‌کرده که از بچه‌هاش مراقبت می‌کرده، برای همین سختی زیادی نکشیده و چند تا بچه آورده، ولی من چی؟ یه دونه دیگه بچه بیارم، چند روز مادرم میاد و دوباره باید بره، من با همه سختی‌ها و دردسرهایش باید تنها بمونم».

خانم ۳۲ساله، تک‌فرزند می‌گوید:

«تو دوران بارداری و زایمانم خیلی تنها بودم و هیچ حامی و پشتیبانی نداشتم که بخواد کمکم کنه. مامانم فقط تونست ۱۰ روز بیاد کمکم، اما اونم زندگی خودشو داشت بالاخره باید می‌رفت، نمی‌خوام دیگه اون شرایط تکرار بشه به همین خاطر یه دونه بچه به نظرم کافیه».

اظهارات خانم ۳۸ساله، دارای یک فرزند نیز به این صورت بود که:

«من وقتی بچه ام به دنیا اومد، مادرم مریض بود، نتونست کمکم کنه، همسر هم سرکار می‌رفت و اصلا فرصتی نداشت که کمکی بکنه، منم که هیچ تجربه‌ای نداشتم، خیلی سختی کشیدم. وقتی یاد اون موقع می‌افتم به هیچ عنوان دلم نمی‌خواد دوباره بچه‌دار بشم، چون شرایط من تغییری نکرده من هنوزم هیچ کمک و پشتیبانی ندارم».

خانم ۳۷ساله، دارای یک فرزند نیز می‌گوید:

«من بر خلاف همه خانوما که همسرشون تو بارداری کنارشونه، همیشه تنها بودم. من بارداری خیلی سختی داشتم و مدام تحت نظر دکتر بودم. گاهی باید تو بیمارستان بستری می‌شدم، تو تمام این شرایط همیشه تنها بودم. گاهی وقتا خواهرم همراهم بود. کار همسرم جور می‌شد، تو تمام کنارم باشه، به‌خاطر همین سختی‌ها هیچ‌وقت دیگه به بچه‌دار شدن فکر نکردم».

بسیاری از شرکت‌کنندگان به حمایت‌هایی که برخی کشورها برای خانواده‌های دارای فرزند ارائه می‌دهند، اشاره داشتند.

به‌عنوان مثال، آقای ۴۳ساله، بدون فرزند، در این رابطه می‌گوید:

«تو کشور ما تمام فشار و زحمت بچه‌داری به عهده پدر و مادره، ولی تو خیلی از کشورهای دیگه نهادهای اجتماعی از فرزندآوری کلی حمایت می‌کنن. خواهر همسر تو سوئیس زندگی

می‌کنه، بعد از بچه‌دار شدن کلی حمایت‌های اجتماعی اونجا دریافت می‌کنن ولی تو کشور ما اصلاً چنین چیزی نیست. حتی همسر منم که با بچه‌دار شدن مخالفه میگه اگر مهاجرت کنیم منم بچه‌دار می‌شم»

### تغییر سبک فرزندپروری

تغییر در سبک فرزندپروری، یک ویژگی برای خانواده‌های امروزی است که در میان جملات مصاحبه‌شوندگان یافت می‌شود. در حال حاضر سبک تربیتی خانواده‌ها تحت تأثیر تغییرات ارزشی و نگرشی که در طی چند دهه اخیر در جامعه رخ داده، دستخوش دگرگونی‌های زیادی شده است. به نظر می‌رسد این موضوع خانواده‌ها را به سمت بی‌فرزندگی یا تک‌فرزندگی سوق داده است. در حال حاضر شیوه تربیتی والدین بر تقویت استقلال آنها استوار نیست. فرزندان بیشتر وابسته به والدین هستند.

خانم ۳۷ ساله که یک فرزند دارد می‌گوید:

«بچه‌های الان با بچه‌های قدیم خیلی فرق دارن، قدیم ما یه دونه اسباب‌بازی برای یه بچه می‌خریدن، بقیه بچه‌ها هم با همون بازی می‌کردن. الان بچه‌ها جورجوری بار اومدن که اینو قبول ندارن. برای هر کدوم باید جداگانه وسایل بخری. کلاً تربیت بچه‌ها اینجوری شده، منم اگر نخوام بخرم دخترم به بقیه بچه‌ها نگاه می‌کنه می‌خواد. اینجوریه که من فقط می‌تونم یه بچه رو ساپورت کنم».

آقای ۴۳ ساله و دارای یک فرزند در این رابطه می‌گوید:

«وقتی من بچه بودم، دوران ابتدایی با اینکه مدرسه ام دور بود خودم می‌رفتم مدرسه، اما

الان حاضر نیستم پسر من تنها بره مدرسه».

خانم ۴۲ ساله، بدون فرزند معتقد است:

«گاهی وقتاً به این فکر می‌کنم که چون بچه ندارم در آینده کسی نیست که حالمو بپرسه، اما

همسر من میگه فرض کن بچه داشته باشیم، یه روز اونم باید بره دنبال زندگیش و تازه بازم این تو

هستی که باید همیشه ساپورتش کنی».

### شکاف بین شرایط اقتصادی موجود و انتظارات

یکی از مواردی که تعداد بسیاری از شرکت‌کنندگان آن را به‌عنوان مانعی برای فرزندآوری مطرح نمودند، شرایط اقتصادی است؛ اما نکته قابل تأمل این است که آیا در گذشته و زمانی که تعداد مولید

در کشور بالا بود، مشکلات اقتصادی وجود نداشت؟ آیا در آن زمان فرزندان هزینه نداشتند؟ قطعاً این موضوع تازگی ندارد و در واقع از گذشته تا کنون یکی از دغدغه‌های اصلی هر خانواده‌ای تأمین معیشت فرزندان بوده است. البته در مطالعه حاضر مسائل اقتصادی شاید از سایر موانع فرزندآوری مهم‌تر نباشد، اما به هر صورت در جامعه کنونی فراهم کردن امکانات لازم برای زندگی فرزندان از اهمیت بالایی برخوردار است. در این رابطه آقای ۴۳ ساله تک‌فرزند، می‌گوید:

«من اگر شرایط مالی خیلی خوبی داشتم حتماً دوست داشتم به جای این به دونه، چند تا

بچه دیگه هم داشته باشم. اما الان اصلاً دلم نمی‌خواد.»

برخی داشتن فرزند کمتر را موجب رفاه بیشتر می‌دانند. آقای ۴۶ ساله، بدون فرزند می‌گوید: «همیشه به این فکر می‌کردم که هر چی تعداد بچه‌ها کمتر باشن امکانات رفاهی بیشتری می‌تونم براشون فراهم کنم. اما تو این شرایط بد اقتصادی، اصلاً به بچه‌دار شدن فکر نمی‌کنم. تو این دوره، بچه داشتن خیلی پر هزینه اس. من تا وقتی که به سطح مالی مناسبی نرسم هیچوقت به بچه‌دار شدن فکر نمی‌کنم.»

#### ضد ارزش شدن خانواده پر جمعیت

در گذشته، فرزندآوری در خانواده‌های ایرانی ارزش بالایی داشت و ازدواج به طور سنتی با فرزندآوری کامل می‌شد. خانواده‌های ایرانی معمولاً تعداد زیادی فرزند داشتند و خانواده‌های پر جمعیت رایج بودند. اما از دهه ۱۳۷۰، سیاست‌های دولتی برای کنترل جمعیت و تبلیغ کم‌فرزندی در رسانه‌ها و مراکز بهداشت باعث شد که داشتن خانواده کم جمعیت به یک ارزش اجتماعی تبدیل شود. این تغییر فرهنگی موجب شد که داشتن بیش از دو فرزند در نظر برخی خانواده‌ها نوعی بی‌فرهنگی تلقی شود. در حال حاضر، خانواده‌ها به داشتن خانواده کم جمعیت تمایل دارند و به این باور رسیده‌اند که خانواده‌های کوچک رفاه بیشتری دارند و سطح تحصیلات و پیشرفت فردی ارزش‌های مهم‌تری هستند. در نتیجه، فرهنگ خانواده کم جمعیت همچنان جایگاه خود را حفظ کرده و با وجود هشدارهای برخی عالمان و سیاست‌گذاران، تغییر چندانی در این نگرش‌ها مشاهده نمی‌شود. خانم ۳۱ ساله تک‌فرزند، می‌گوید:

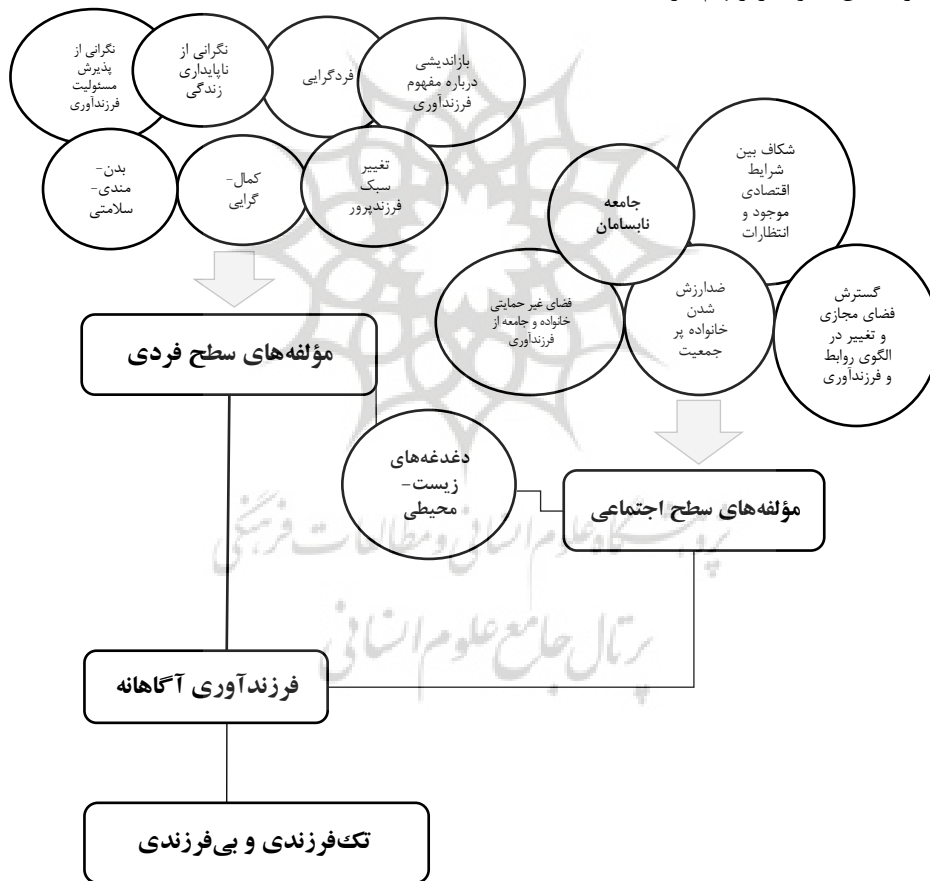
«وقتی بچه بودم، همیشه می‌دیدم خانواده‌هایی که تک‌فرزند هستن یا تعدادشون از ما کم‌تره،

خیلی لباس‌ها و خوراکی‌هاشون از ما بهتره. به نظرم اونا رفاه بیشتری داشتن.»

«در گذشته اینکه به خانمی چند تا بچه داشت و اینکه خانه‌داری و بچه‌داری خوبی داشت، از

نظر دیگران ارزش محسوب می‌شد، اما الان نمونه تغییر کرده و حالا اینکه چند تا کتاب خونده باشی و تحصیلاتت چقدر باشه، به امتیاز محسوب میشه.»

خانم ۳۹ ساله دارای یک فرزند معتقد است:  
 «الان به جوری شده که اگر به خانواده چند تا بچه بیاره، از نظر دیگران جالب نیست. الان دیگه کسی رو نمی‌بینم که بیشتر از دو تا بچه بیاره. من خودم وقتی یکی رو می‌بینم که چند تا بچه آورده میگم چقدر بی‌فکره».  
 آقا ۴۶ ساله، بدون فرزند نیز در این رابطه می‌گوید:  
 «ما ۴ تا بچه بودیم، همیشه از اینکه تعداد خانواده‌مون رو جایی اعلام کنیم خجالت می‌کشیدم».  
 با توجه به آنچه گفته شد می‌توان کم‌فرزندی یا بی‌فرزندی افراد متأهل در جامعه مورد تحقیق را بر اساس الگوی زیرفهم کرد:



شکل ۱. مدل مفهومی فرزندآوری آگاهانه

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد باورها و ترجیحات فرزندآوری افراد، تأثیر زیادی بر تحولات باروری دارد. بر اساس نتایج این پژوهش، عوامل فردی و اجتماعی متعددی مانند نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و زیست‌محیطی موجب شده‌است که خانواده‌ها به طور ارادی به انتخاب تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی روی آورند.

در سطح فردی تم‌های اصلی شامل بازاندیشی درباره مفهوم فرزندآوری، تغییر سبک فرزندپروری، کمال‌گرایی، فردگرایی، نگرانی از ناپایداری زندگی زناشویی، نگرانی از پذیرش مسئولیت فرزندآوری و بدن‌مندی-سلامتی شناسایی شد. در سطح اجتماعی، جامعه نابسامان، گسترش فضای مجازی و تغییر در الگوی روابط و فرزندآوری، فضای غیر حمایتی خانواده و جامعه از فرزندآوری، شکاف بین شرایط اقتصادی موجود و انتظارات و ضدارزش شدن خانواده پر جمعیت، در میان اظهارات پرتکرار مشارکت‌کنندگان در فرزندآوری مؤثر است.

دغدغه‌های زیست‌محیطی به‌عنوان عاملی جدید و منحصر به فرد در تصمیم‌گیری‌های فرزندآوری، نشان‌دهنده تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های نسل جدید به مقوله فرزندآوری است. این مؤلفه هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی مطرح است. به‌طور کلی، می‌توان گفت که ظهور دغدغه‌های زیست‌محیطی، نوعی تحول در گفتمان اجتماعی درباره فرزندآوری را بازتاب می‌دهد؛ در حالی که ادبیات سنتی باروری در ایران بیشتر به عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته است، یافته حاضر نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان این پژوهش در حال بازتعریف مسئولیت‌های فردی خود در قبال محیط‌زیست و آیندگان هستند. اظهاراتی از این دست خاطر نشان می‌کند که کمبود منابع طبیعی (نظیر آب، انرژی و زمین حاصل‌خیز) به‌عنوان یکی از بحران‌های جدی در ایران، نه تنها در سطح کلان سیاست‌گذاری بلکه در سطح خرد زندگی روزمره خانواده‌ها نیز به عاملی بازدارنده در فرزندآوری تبدیل شده است.

برآیند ملاحظات فردی و اجتماعی حاکی از آن است که ذات تجربه فرزندآوری در خانواده «فرزندآوری آگاهانه» است که پیامد آن، رفتار تک‌فرزندی و یا بی‌فرزندی می‌باشد. به این معنا که تصمیمات مربوط به فرزندآوری به‌طور جدی و با تأمل در بسیاری از شرایط فردی و اجتماعی اتخاذ می‌شود و امروزه افراد فرزندآوری را امری طبیعی یا تنها به‌حکم وظیفه یا اجبار یا به‌صورت ناخواسته و بدون برنامه‌ریزی قلمداد نمی‌کنند. این یافته‌ها را می‌توان بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده توجیه کرد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، جامعه مورد مطالعه درک خاصی از مسئولیت‌پذیری دارند و بر اساس آن سعی می‌کنند بهترین گزینش‌ها را برای زندگی داشته‌باشند؛ به‌همین دلیل است که در مورد فرزندآوری و تعلیم و تربیت و پرورش فرزند وسواس بسیاری به خرج داده و به آسانی تن به بچه‌دار شدن نمی‌دهند. لذا رفتار کم‌فرزندی در میان نسل جوان بر خلاف تصور عموم، لزوماً نشان از بی‌مسئولیتی این نسل نیست؛ بلکه نشان‌دهنده اهمیت یافتن زندگی و احساس مسئولیت آنها در تربیت فرزند و مسئولیت‌های ناشی از آن است. افراد با وجود علاقه و تمایلی که به فرزندآوری دارند، ملاحظات متعددی را در تصمیم‌گیری خود دخیل می‌دانند و مجموعه‌ای از افکار، عقاید و شرایط در کنار یکدیگر باعث می‌شود تا خانواده‌ها تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی را به صورت ارادی اختیار کنند. افراد مورد مطالعه برای اقدام به فرزندآوری، نه تنها شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند، بلکه به محیط زیست پیرامون خود نیز توجه دارند.

یافته‌های این پژوهش نشانه‌هایی از تجربه و درک متفاوت مشارکت‌کنندگان نسبت به معنای خانواده و ازدواج را آشکار می‌سازد. هرچند این نتیجه، بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های افراد مشارکت‌کننده در این مطالعه است، اما می‌تواند ضرورت توجه به رویکردی جامع‌تر در سیاست‌گذاری‌های مرتبط را برجسته کند. به نظر می‌رسد سیاست‌ها و برنامه‌های موجود (از جمله قانون حمایت از ازدواج و فرزندآوری) بر اساس درک ناقصی از موضوع اتخاذ و اجرا می‌شوند و بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی تمرکز دارند و نمی‌توانند به‌تنهایی موانع آن را حل کرده و مشوق افراد به فرزندآوری باشند. به‌جای تمرکز صرف بر جنبه‌های اقتصادی، لازم است که سیاست‌گذاران به دیگر ابعاد زندگی خانوادگی و اجتماعی و مقتضیات زندگی در جامعه مدرن توجه کرده و رویکرد جامع‌تری را در این زمینه اتخاذ کنند. نکته پایانی این است که در کنار اهمیت انتخاب فردی، تغییرات سیستماتیک (سیاست‌ها، فناوری، فرهنگ و محیط زیست) نیز ضروری است، زیرا هیچ تصمیم خانوادگی به‌تنهایی تعیین‌کننده‌ی سرنوشت هیچ اقلیمی نخواهد بود.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *نوسازی و پسانوسازی*. در *نوسازی (مجموعه مقالات)*. ترجمه علی مرتضویان. فصلنامه ارغنون. ۱-۳۳.
- برگر، پیتر ال (۱۳۹۶). *سایبان مقدس - عناصر نظریه جامعه‌شناسی دین*. ترجمه ابوالفضل مرشدی. تهران: نشر ثالث.

- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج سوم (۱۳۹۵). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.
- چمنی، سولماز؛ مشفق، محمود؛ شکر بیگی، عالیه (۱۳۹۵). مطالعه چالش‌های فرزندآوری در شهر تهران با تأکید بر روش ترکیبی. مجله مطالعات جنسیت و خانواده. سال سوم، شماره اول. ۹-۳۸.
- حسینی درمیان، غلامرضا؛ میرزایی، حسین؛ میرابی، سعیده (۱۳۹۹). بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری. مجله جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۳۱، شماره ۱-۲۰.
- حمیدی‌فر، مهدی؛ کنعانی، محمدمین، عباداللهی چندانق، حمید (۱۳۹۶). نگاه بی‌فرزندان ارادی به فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت. نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی. دوره ۸، شماره ۳: ۲۷-۵۴.
- خلج آبادی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه ساز قصد و رفتار تک‌فرزندگی در تهران. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده / سال هیجدهم / شماره ۷۱، ۳۰-۵۸.
- درگاه ملی آمار (۱۴۰۳). میزان باروری در ایران. دسترسی به مطالب از طریق لینک: <http://amar.org.ir/statistical-information?staid=28515>
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی؛ حسینی، زینب و شیخی، محمدتقی (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک‌فرزندگی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال یازدهم، (۲۲)، ۴۳-۸۲.
- ساروخانی، باقر؛ حیدری، عصمت؛ ادیسی، افسانه (۱۴۰۲). بررسی جامعه شناختی تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندگی. راهبرد اجتماعی فرهنگ، ۱۲(۳): ۱۰۵۵-۱۰۸۲.
- شهبازی، سیامک (۱۳۸۲). تحلیل عوامل موثر بر ارزش‌های خانوادگی جوانان روستایی. مورد مطالعه استان اصفهان. فصلنامه روستا و توسعه.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ محمودیان، حسین؛ صادقی، رسول؛ قربانی، زهرا (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲۶، ۳۷-۶۶.
- عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمد جلال؛ شمس قهفرخی، فریده؛ روحانی، علی؛ عینی زیناب، حسن (۱۴۰۱). در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان. ۳۳(۸۸) ۱-۲۸.
- عظیمی، رضا (۱۴۰۰). تحلیل ثانویه ارزش‌های جنسیتی با توجه به داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ و ارتباطات. ۵۳ (۲۲) ۲۴۷-۲۶۸.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان؛ رضامنش، فاطمه؛ اعظم کاری، فائزه؛ بی‌گناه، معصومه (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی. راهبرد فرهنگ. شماره ۲۹، ۱۷۹-۲۱۲.

علی دوستی، حسام‌الدین؛ حریری، مهدی؛ صفاریان، محسن (۱۴۰۱). تمایل به فرزندآوری در شهر کرمانشاه: تعیین‌کننده‌ها و محدودیت‌ها. نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱ (۲۰) شماره پیاپی ۴۳-۱۰۹-۸۳.

فروتن، یعقوب و بیژنی، حمیدرضا (۱۳۹۹) تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال پانزدهم، ۲۶۵-۲۹۱.

کرسول، جان (۱۴۰۰). پویای کیفی و طرح پژوهش. ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

مدنی، سعید (۱۴۰۰). گزارش وضعیت سالمندی در ایران ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸، تهران: گوتنبرگ.

ملکی، امیر؛ عباسی، آمنه؛ صادقی، رسول؛ بالاخانی، قادر (۱۴۰۰). تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، ۴ (۲۲) ۱۶۳-۱۸۵.

نوابخش، مهرداد؛ خدابخش، رضا؛ کلدی، علیرضا؛ سوادیان، پروین (۱۴۰۲). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بر نهاد خانواده: با تأکید بر آسیب‌های آن. فصلنامه علمی - پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۷، شماره ۲، ۲۳۸-۲۵۵.

Ahern, K. (1999). "Ten tips for reflexive bracketing". *Qualitative Health Research*, 9(3), 407-411.

Ahmadzadeh Tori N, Sharif-Nia H, Ghaffari F, Behmanesh F, & Pourreza Ab (2023). Effective factors on voluntary childlessness and one-child tendency from couples' perspective: Compulsory childlessness

Ajzen, I., & M. Fishbein (1980). *Understanding Attitudes and Predicting Social Behavior*. Englewood-Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Anaja Kos, Vlasta Novak Zabukovec & Vesna Jug (2025). "The role of eco-anxiety in reproductive wish during emerging adulthood", *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, <https://doi.org/10.1080/02646838.2025.2508875>.

Barari, M. (2023). *Mixed Methods Research | Definition, Guide & Examples*. gstatgroup. Retrieved October 4, 2023, from <https://gstatgroup.com/methodology/mixed-methods-research/>

Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence*. London: SAGE Publications.

Brown, H. C. (2024). "Young People Are Worried About Climate Change—and That's Affecting Their Future Plans", from

[https://www.wsj.com/articles/young-people-are-worried-about-climate-changeand-thats-affectingtheir-future-plansde0f7cd3?reflink=desktopwebshare\\_permalink](https://www.wsj.com/articles/young-people-are-worried-about-climate-changeand-thats-affectingtheir-future-plansde0f7cd3?reflink=desktopwebshare_permalink).

- Chandola, T., Colema, D.A. & Horns, R.W. (1999). "Recent European Fertility Pattern: Fitting Curresto distorted distributions", *Population Studies*, 3-53:317-329.
- Gearing, R. (2004). "Bracketing in research: A typology". *Qualitative Health Research*, 14(10), 1429-1452.
- Gouni, O., J. unait' e-Fedosejeva, G., Kömürcü Akik, B.; Holopainen, A., & Calleja-Agius, J. (2022). "Childlessness: Concept Analysis". *Int. J. Environ. Res. Public Health* 2022, 19, 1464.
- Lesthaeghe, R. & Surkyn, J. (2012). When history moves on: foundations and diffusion of a second demographic transition, in: Jayakody, R., Thorton, A., Axinn, W. (eds.) *international family change: ideational perspectives mahwah nj: lawrence erlbaum and associates*.
- Lesthaeghe, R. (2010). "The unfolding story of the second demographic transition", *Population and Development Review*, 36 (2), 211-251.
- Lesthaeghe, R. (2020). "The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update", *Genus*, 76 (10), 1-38.
- Shosha, G. A. (2012). "Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher". *European Scientific Journal*, 8(27), 31-43.
- Skutina T.V., Volkova O.V., Kalinovskaia K.S., Potapova E.V., Judina Ju.G (2024). Value and motivational prerequisites and subjective grounds for women's voluntary childlessness. In: *J. Sib. Fed. Univ. Humanit. soc. sci.*, 2024, 17(11), 2054–2064. EDN: HGIONG.
- Speziale, H.J., & Carpenter, D.R. (2007). *Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative*, (4th ed.). Philadelphia. Lippincott, Williams and Wilkins.
- Testa, M. R. (2012). "Childbearing Preferences and Family Size in Europe: Evidence from the 2011 Eurobarometer survey", *European Demographic Research Paper*, No.1, Vienna Institute of Demography of the Austrian Academy of sciences.
- Van de Kaa, D. J. (1987). "Europe's second demographic transition". *Population Bulletin*, 42 (1), 1-59.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی